



## تحریم های اقتصادی ۱ ( علت تحریم )

انقلاب اسلامی از لحظه ظهور خود در سال ۵۷ تاکنون برهه های

متفاوتی را پشت سر گذاشته است که در هر برهه هم با چالشی

جدی روبرو بوده است. در ابتدای انقلاب عرصه جنگ نظامی را پیشرو داشتیم که اگر چه ۸ سال به طول انجامید،

اما اثرات متأخر آن بر روی نظام اسلامی تا سال های سال باقی خواهند ماند. نقش های به جامانده از ترکش های

بمب های منفجره بر دیوارهای برخی شهرها در زمان حال خود گویای این واقعیت است.

نتایج تخریب زیرساخت ها و تأسیسات بنیادین اقتصادی این مملکت همچنان در مناسبات اقتصادی کشور نقش ایفا

می کند. در ادامه هم دشمن هیچ گاه حاضر به عقب نشینی از مواضع خود برای تضعیف نظام اسلامی ایران نکرده است.

فتنه ۷۸ و ۸۸، تشکیل شبکه های ماهواره ای مخالف و تأمین مالی آن ها، ترورهای دانشمندان هسته ای، حمایت از





گروه‌های درون و بیرون مرزی ضدانقلاب، تصویب قطع‌نامه‌های فراوان در طول حدود ۳۷ سال اخیر و بسیار اقدامات دیگر که هرروز بر تعداد آنها افزوده می‌شود از این دست هستند.

تحریم اقتصادی از مهم‌ترین ابزارهایی است که غرب از ابتدای انقلاب بکار برده است. با وجود اینکه تحریم‌ها اقتصادی می‌باشند، اما اثرات و نتایج مورد انتظار از آنان طبیعتاً فقط اقتصادی نیست. با توجه به چنین شرایطی ملاحظه می‌شود که غرب یک جنگ تمام‌عیار را علیه انقلاب اسلامی به‌کار برده است. این جنگ دارای ابعاد گوناگونی همچون اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و غیره است. طبیعتاً برای هر کدام از این عرصه‌ها نیز ابزارها و اهداف متفاوتی در نظر گرفته است که از آنها برای مقابله با نظام اسلامی استفاده می‌کند.

جنگ همه‌جانبه غرب علیه انقلاب یک واقعیت گریزناپذیر است؛ اما سؤال اساسی این است که آیا در عرصه اقتصادی، ما آرایش مقابله با دشمن را بکار برده‌ایم. مشاهده می‌شود که دشمن از هر جبهه‌ای به ما حمله کرده است و از همه توان خود هم استفاده می‌کند. پس ما در شرایط جنگ به سر می‌بریم و باید ما نیز متقابلاً پدافند مناسبی داشته باشیم. نکته این





است که بحث بر سر جنگ اقتصادی نیست، بلکه موضوع این است که جنگ اتفاق افتاده است و از همه جوانب نیز در

حال پیشرفت است، پس شرایط جنگی است. حال که شرایط جنگ است، آیا ما نباید رویکردها و سیاست‌گذاری‌های

خود را متناسب با فضای جنگ اعمال کنیم؟

پاسخ این سؤال روشن است. باید اقتصادی طراحی شود که متناسب با شرایط جنگ همه‌جانبه به پیش برود. نباید عرصه

جنگ را محدود در اقتصاد کرد. در واقع در هنگام سیاست‌گذاری اقتصادی نباید تصور کرد که دشمن به ما حمله

اقتصادی کرده است، بلکه باید این‌گونه اندیشید که دشمن از لحاظ سیاسی و فرهنگی و اجتماعی غیره به ما حمله‌ور

شده است و ما در هنگام تعیین سیاست‌های اقتصادی به همه جوانب توجه کنیم.

اقتصاد جنگ در این مسیر با دو مانع اساسی روبروست. خصومت‌های اقتصادی خارجی و خصومت‌های اقتصادی

داخلی. منظور از خصومت‌های خارجی همان سیر تحریم‌هایی است که از بدو انقلاب اقتصادی آغاز شده است.

تحریم‌هایی که روز بروز بیشتر می‌شوند. حتی با به سرکار آمدن دولت یازدهم هم که ماحصل شعارهایش اصلاح روابط





اقتصادی با استفاده از دیپلماسی هوشمند بوده است هم در این روند خلیلی ایجاد نشده است. به عنوان نمونه در همین راستا وزارت خزانه داری آمریکا در جدیدترین اقدام خود ۹ شخص و نهاد ایرانی را تحریم کرد. سابقه هم نشان داده است که این مسیر همچنان هم ادامه خواهد داشت تا زمانی که به هدف اصلی که همان تغییر ساختار نظام است دست پیدا بکنند.

خصوصیت های اقتصادی داخلی شاید اثرگذارتر از خصوصیت های خارجی هم باشند. منظور از خصوصیت های داخلی صرفاً این نیست که عده ای در داخل کشور مشغول دزدی و اختلاس و کلاه برداری و موضوعاتی از این قبیل هستند. البته این موارد را هم شامل می شود و قطعاً باید برخورد نظام مندی با آنان صورت بگیرد؛ اما مقصود اصلی در این قسمت مجموعه رفتارهای مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و دولت است که خود به صورت غیر عمدی در نقش یک بازیگر مخالف با پیشرفت انقلاب اسلامی نقش ایفا می کند.

مثلاً در بعد مصرف کننده رفتارهایی همچون: احتکار خانگی کالا، ولع افزایش مصرف، اصرار بر مصرف کالاهای خارجی و تبدیل کالاهای مصرفی به کالای سرمایه ای مواردی از این دست هستند. در بعد تولیدکننده مصادیقی چون:





کاهش تولید، احتکار کالا و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. برخی رفتارهای مسئولین هم مانند

بی‌توجهی به دانش و منطق علمی در سیاست‌گذاری، بی‌برنامگی و عدم ثبات سیاست‌ها تأثیرات منفی زیادی را به دنبال

دارد.

تمرکز بر خصومت‌های داخلی و اصلاح آن‌ها از طریق ساختارهای فرهنگی و اقتصادی می‌تواند بخش عمده‌ای از

مشکلات اقتصادی را حتی با وجود تحریم‌های اقتصادی شدید حل کند. البته این امر مستلزم یک برنامه‌ریزی دقیق است

که باید در شرایط جنگ چه اقتصادی را طراحی کرد. نقش فرهنگ در این عرصه بسیار اساسی است و با بالا رفتن سطح

فرهنگ اقتصادی مردم و تولیدکنندگان و مسئولین بسیاری از مشکلات را حل کرد.





یک جنگ تمام عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است. علت آن هم، نه مسئله‌ی هسته‌ای است، نه مسئله‌ی حقوق بشر است، نه مسایل دیگری از این قبیل است؛ علت آن را خود آنها هم می‌دانند، ما هم می‌دانیم... علت، استقلال خواهی ملت ایران است.



یک جنگ تمام عیار اقتصادی است که متوجه ملت ما است. علت آن هم، نه مسئله‌ی هسته‌ای است، نه مسئله‌ی حقوق بشر است، نه مسایل دیگری از این قبیل است؛ علت آن را خود آنها هم می‌دانند، ما هم می‌دانیم... علت، استقلال خواهی ملت ایران است.

